

تأثیر آهنگ سنتی فارسی بر موسیقی سنتی بنگالی

محمد ممیت الرشید

استادیار - دانشگاه داکا، بنگلادش و دانشجوی دکتری - دانشگاه تربیت مدرس

دکتر محمد نور عالم

استادیار - دانشگاه چیتاگانگ بنگلادش

چکیده

از دوره‌های پیشین که صوفیان، فقها، مبلغان دین اسلام از ایران برای تبلیغ و ترویج این دین به بنگلادش آمدند، آداب و فرهنگ و رسوم مردم بنگال با فرهنگ و رسوم اسلامی عجین گردید. پیش از آن الگوی موسیقی در منطقه بنگال، موسیقی‌های سانسکریت بود. در قرون وسطی با حمایت شاهان، سلاطین، صوبه‌داران و امرا در بنگلادش موسیقی پیشرفت زیادی نکرده بود، با این حال، شاعران این سرزمین با سرودن اشعار موزون، اوزان راگ و راگینی را آزموده بودند. راگ و راگینی‌ها (زیر و بم) در آهنگ‌های بلند، با تلفیق راگ‌های عربی و هندی به وجود آمده است. ایرانی‌ها آرایش جدیدی به موسیقی دادند و زیبایی، لطافت، عاطفه و مهربانی را به آن افزودند و راگ‌های گوناگونی به وجود آوردند. بدین طریق خزانه و گنجینه موسیقی بنگلادش را غنی ساختند. در واقع موسیقی بنگلادش غنی‌تر و زیباتر شد و با ورود عرفان و معنویت، معنی و مفهوم جدیدی یافت. قاضی نذرالاسلام، غزلیات فارسی را در بنگالی به کار گرفت و به واسطه عنایت او، اهل بنگلادش توانستند عشق و شیدایی بلبان چمن‌زار ایران، سودایی شراب و ساقی و شور و ولوله جلسات شعر و آهنگ فارسی را به بنگالی لمس و درک کنند.

واژگان کلیدی: آهنگ، موسیقی، تأثیر، قاضی نذرالاسلام، حافظ، ساز

www.anjomanfarsi.ir

مقدمه

شکی نیست که زبان فارسی پس از آمدن اسلام وارد بنگاله شده است. بعد از فتوحات اختیاردین محمد بن بختیار خلجی که سپه‌سالار قطب‌الدین ایبک، پادشاه دهلی در این منطقه حکومت مسلمین را تشکیل دادند. (ک. علی، ۱۹۷۳: جلد دوم، ۵۳) از آن زمان در سرزمین بنگال رواج فارسی آغاز گردید. زبان رسمی خلجی زبان فارسی بود. وی اولین حاکم مسلمان بود که در شهر رنگپور در شمال بنگلادش چندین مدرسه بنا نمود. در این زمان صدها شاعر به زبان فارسی شعر گفته‌اند و تعداد زیادی جلد کتاب به زبان فارسی نوشته شده است. (عبدالکریم، ۱۹۹۳: ۱۰۹)

فرهنگ بنگالی نیز از سوی حاکمان و بزرگان مسلمانان به طور گسترده مورد حمایت قرار گرفت. چون از زمان حکومت مسلمانان، زبان فارسی زبان رسمی این مملکت بود؛ بدین‌وسیله تأثیر آهنگ فارسی در زبان بنگالی رواج پیدا کرد. (عبدالله، ۱۹۸۳: ۱۰)

مسلمانان به صورت فاتح بر تمام شئون فرهنگی شبه قاره وارد شدند. همراه خود سازهای گوناگونی را به این منطقه آوردند که اسامی بعضی از آنها چون قانون، عود (سازنگی) چنگ، قیچاک، رباب، تانبوره (تنپوره) کمان زا (بیهالا) نی، سرنای، ناکارا، دف (خنزانی)، دهل و غیره. بعضی از سازهای عربی فارسی و ترکی دیگر، همچون سازهای رباب سرود، سه‌تار، سور سرنیگا، اسراز، دلربا، طاوس، طبلا، به ایان و غیره می‌باشد. از جمله سازهای قدیمی‌اند که مستقیماً با دوران حکومت مسلمانان مرتبط هستند. ساز سه‌تار واقعاً تحول و انقلابی در محافل موسیقی و آهنگ به وجود آورده است. (مدبر، ۱۹۹۳: ۸۰) استاد امیر خسرو دهلوی هنرمند و نوازنده مشهور دربار سلطان علاءالدین خلجی ساز (سه‌تار) را اختراع کرد. وی یک نوع ساز شبه جفت‌تار، (تبل زوجی) بنام (تبل بیان) در دوران پاکواز اختراع کرد (عبدالکریم، ۱۹۹۳: ۱۰۹) و واژه «ساز سرود» برگرفته از لغت فارسی «سرود» می‌باشد. از اسم این ساز روشن می‌شود که از ریشه فارسی به وجود آمده است و در شبه قاره توسط آهنگ‌سازان پشتیبانی شده و حاکمان مسلمان آن را رواج و گسترش دادند.

حافظ شیرازی در زمان سلطان غیاث‌الدین اعظم شاه (۱۳۹۷-۱۴۱۰ م) قند پارسی را برای طوطیان هند (شاعران بنگالی) به بنگال اهدا نمود. (نذر الاسلام، جلد ۲: ۱۹۹۳: ۴۵) اما این هدیه چقدر شیرینی بود که هنوز در دهان بنگالی آن شیرینی وجود دارد. زبان فارسی بیشتر از ششصد سال (۱۲۰۱-۱۸۳۷ م) یعنی از آغاز حکومت خلجی (۱۲۰۱ م) تا استیلای انگلیس‌ها (۱۸۳۷ م) زبان رسمی و دولتی منطقه مزبور بوده است. (انعام الحق، ۲۰۰۹: ۴۵) بدین وسیله بیشتر از شش هزار کلمه فارسی، زبان بنگالی را حلاوت لطیفی بخشیده است. طبیعی است که این تأثیر آهنگ سنتی فارسی بر موسیقی سنتی بنگالی دیده می‌شود.

تأثیر آهنگ سنتی فارسی بر موسیقی سنتی بنگالی

توسعه آهنگ هنر موسیقی از صوفیان در جامعه مسلمانان جهان تأثیر گرفت. منطقه بنگال در فاصله قرن‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی تحت تسلط حکومت مسلمانان در آمد و حاکمان مسلمان مغول در این سرزمین قدرت را در دست گرفتند. در این مدت لغات فارسی جایگزین لغات محلی شد. به طور مثال لغات بنگالی مانند بوهیت، کوکرو، شوچارو ماجا، کانکال و دهولا با لغات فارسی جهاز (کشتی) مرغ، وکیل، حاکم، عدالت، پیشکار، خرگوش، کم رو، گردان، ساده، دروازه تعویض شود. در زمینه رایج شدن موسیقی توسط صوفیان باید گفت که پیش از آن در منطقه بنگال موسیقی‌های سانسکریت الگو بود. یک کتاب مربوط به آهنگ و موسیقی شناسی هندی بنام *لحظات سکندرشاهی* به زبان فارسی موجود است. سلطان بهلول لودی به سبک‌های راگ مالکوش، کلان، کانارا و مقام حسینی خیلی شیفته و علاقه‌مند بود.

فرهنگ ایران بر فرهنگ و هنر مردم و همین‌طور بر اشعار و سرودهای مذهبی بنگالی تأثیر گذاشت. از دیدگاه شعرای عارف هدف از زندگی، رسیدن به خدا از طریق اخلاص عمل و محبت است. این مفهوم و نظریه در اشعار و سروده‌های عرفا کاملاً مشهود است. عناصر معنوی و عرفانی این‌گونه شعر را می‌توان از تأثیرگذاری مشرب تصوف ایران توجیه و تبیین نمود. مضامین عرفانی شعری سه‌گانه بنگالی (باؤل، معرفتی و مرشدی) عمدتاً با قطعات آهنگ فارسی نواخته می‌شود. که قطعات موسیقی آن با سازهای «تکتار و دوتار» به اجرا در می‌آید. (شهید الله، ۲۰۱۱: ۲۵۰)

آوازهای «باؤل» سرمایه معنوی درواپش مسلمان است که اشعار که در برگزیده موضوعات اسرار آمیز و عرفانی است. کلمات و واژه‌های مربوط به بعضی از قسمت‌های بدن انسان که در این اشعار بکار گرفته می‌شود جنبه تمثیلی دارد و از این‌گونه سروده‌ها به عنوان وسیله برای رسیدن به مقام عالی عرفانی استفاده می‌شود. (جهانگیر، ۱۳۷۱: ۲۵)

آواز سبک «معرفتی» و «مرشدی» بیشتر بیانگر اظهار عشق و سرسپردگی به عرفا و پیران طریقت است. این چنین اشعار با زبان ساده و روان و قابل درک و فهم برای عموم سروده می‌شود. در عین حال دارای مضامین عالی ادبی نیز می‌باشد. عمق فکر و اندیشه شاعر و وجود اوزان و ریتم آرام و دلپذیر آن‌ها از ویژگی‌های دیگر این سرودها است. علاوه به راین، از این اشعار از یک طرف علم و آگاهی وجود دارد و از طرف دیگر در آن خلوص و صفا و صمیمیت نهفته است.

نغمه‌های معرفتی ویژگی عرفانی دارد. بدین علت این نغمه به عنوان نغمه‌های صوفیان و عرفانی معروف است. آقایان لالان فقیر، پنجوشاه، حسن راجا و غیره سراینده این گونه نغمات و سرودها در بنگالی هستند. معانی و مفهوم سرودهای آن‌ها از حقایق عمیقی برخوردار است و معنی ساده از آن نمی‌توان برداشت نمود. مثلاً لالان فقیر می‌گوید:

«پرندۀ نا آشنا در قفس چگونه می‌آید و می‌رود؛ اگر می‌گرفتم دام دل می‌پیچیدم برپای او». (اقتباس،

احمد الحق، ۲۰۰۷: ۳۲)

پنجو شاه می‌گوید:

مرا طرد نکنید که من گناهکارم دینت اجازه نخواهد داد به این کار

جزای اعمال که از بین نرفت. (اقتباس، احمد الحق، ۲۰۰۷: ۸۷)

حسن راجا می‌گوید:

مردم می‌گویند که خانه و کاشانه‌ام خوب نیست،

چه منزلی بسازم من بر این خلای بی‌کران؟

هر که گوید که خدا را نمی‌بیند او نابینای جاوید است

حسن راجا فنا شده این نغمه دارد می‌سراید. (اقتباس، احمد الحق، ۲۰۰۷: ۳۹)

موسیقی‌های مرشدی موسیقی‌های درد و فغان و گریه است. مرشد لفظ عربی است. معنی آن مرجع عرفانی و راهنما است. در این گونه موسیقی‌ها انقیاد و ارادت شیفتگان به پیر و مرشد خود نمایان است. لذا سراینندگان این نغمات ستایشگر تفکرات الهی‌اند. در بارگاه «شاه لال پیر» در نورالله‌پور بنگلادش هنوز این نغمه‌ها خوانده می‌شود. در اویش شاه لال بنشسته در آن بارگاه سراینده این نغمات هستند. در این نغمات زندگی واقعی بی معنی است. حالا حاضر در میان کشاورزان مناطق داکا، فریدپور و بریسال این نغمات خیلی محبوبیت دارد.

به طور مثال به آهنگ سرودی از لالان می‌توان اشاره کرد که در آن اندیشه عمیق عرفانی او تبلور یافته است. لالان در اشعار خود به این موضوع می‌پردازد که خدا را از راه عرفان می‌توان دریافت. اگر کسی فاقد آموزش و تربیت نفس باشد یک تارمو هم بین او و یک کوه می‌تواند حجاب باشد. اگر کسی خدا را در این جهان نشناخت، چطور در آن جهان خواهد شناخت؟ (احمد الحق، ۲۰۰۷: ۲۹)

نوع دیگر از این آهنگ سرود «زاری» است که در سوگواری‌ها و در مراسم ماتم از آن‌ها استفاده می‌شود. ریشه آن در حوادث غم‌انگیز مدینه و کربلا نهفته است که در آن جریان شهادت امام حسن و امام حسین (ع) اتفاق افتاد. این نام از کلمه فارسی «زاری» به معنی گریستن گرفته شده است. همراه با سوگ و اندوه، حماسه نیز در این آهنگ‌ها مشهور است. در شیوه بیان احساس و نیز موضوع سرودها و نواهای عرفانی بنگلادش تأثیر نفوذ اندیشه و فلسفه تصوف ایرانیان به روشنی مشاهده می‌شود.

در دوران حکومت شاه جهان امپراتور هند یک هنرمند صوفی مشرب به نام شیخ بهاء‌الدین در زمینه موسیقی سبک‌هایی چون خیال، درویدی و ترانه را سرود. این‌گونه نمونه‌ها فراوان است. این سرودها به زبان بنگالی هم سروده می‌شد. (ک. علی، جلد دوم، ۱۹۷۳: ۸۵)

قاضی نذر الاسلام در تاریخ موسیقی و ادبیات و استقلال بنگالی درخششی ویژه دارد. وی شاعر شهیر کشور بنگلادش، الگوی آهنگ، سرود، موسیقی و ادب این کشور به شمار می‌آید. وی از سال ۱۹۲۶ م شروع به نوشتن سرود نمود. (گوشامی، ۱۹۹۰: ۲۷۸) همگان اعم از خواص و عوام، تحصیل‌کرده، دانشگاهی و افراد عادی او را به خوبی می‌شناسند و اشعارش را زیر لب زمزمه می‌کنند. تأثیر شعر او را می‌توان در افشای استعمار و راهنمایی توده‌های مردم برای یک مبارزه فراگیر با دشمن خارجی جستجو کرد. (شاه حسین، ۲۰۰۶: ۷۳) اشعار نغز وی که زبان حال توده‌های مستضعف بنگال بود، رفته‌رفته زبانزد خاص و عام گردید و هر کسی به فراخور استعداد و حرفه خویش، از آن بهره می‌برد. آهنگ خروشان اشعار او در روستاها، شهرها، مجالس مذهبی و سنتی، در رادیو و محافل هنری و ... طنین‌انداز بود، صفحات روزنامه‌ها و جراید بنگال با ابیات انقلابی و حماسی او تزیین می‌یافت و به‌راستی نقش حیاتی این شاعر بزرگ مسلمان، در بیداری و خروش مردم این سامان در مقابل استعمار انگلیس هرگز فراموش نخواهد شد. (گزیده، ۱۹۹۵: ۹) در شعر نذر الاسلام ویژگی‌های برجسته‌ای از جمله عشق، وطن‌پرستی، تعهد، آزادی‌خواهی، حماسه، ایمان، انقلاب، مرثیه‌سرایی و تعزیه، و بر اساس قول خودش شورشگری را در خود گنجانده است. پیوند فکری و روحی وی با آهنگ، موسیقی و سرود زبان و ادبیات فارسی او را در این زمینه موفق کرد.

قاضی نذر الاسلام مردی آزاداندیش بود. در طی زندگی خود علیه ظلم و ستم موجود مبارزه کرد. مبارزه و شورش وی علیه سلطه استعمارگران انگلیس و علیه هر نوع عقب‌ماندگی، استبداد و خرافات می‌باشد. در زمان سلطه استعمارگران انگلیسی بر شبه قاره، قاضی نذر الاسلام با سرودن اشعار انقلابی و آزادی‌بخش علیه استعمارگران مبارزه کرد. استقلال بنگلادش نیز دنباله آزادی شبه قاره بود. (Rafiqul Islam, 2011: 40) لذا می‌توان گفت قاضی نذر الاسلام در آزادی بنگلادش نیز نقش داشت. دکتر محمدکاظم کهدویی گفت:

نذر الاسلام، جمله شاعرانی است که شعرشان شعر متعهد است و رهایی‌بخش. اگرچه نغمه آزادی او بارها به اسارتش می‌انجامد و سلطه‌گران، او را به بند می‌کشند و زندانی می‌کنند، اما سرودهای آزادی سرزمین هند را نخست او سر می‌دهد و مردم را به آزادی و رهایی از چنگال استعمارگران دعوت می‌کند، همچنان که فرخی یزدی فریاد می‌زد که:

در کف مردانگی شمشیر می‌باید گرفت

حق خود را از دهان شیر می‌باید گرفت.

او نیز در هر زمان و در هر جا، دعوتگر است. تا جایی که پس از سرودن شعر «بیدروهی» (شورشگر) او را

شاعر شورشگر لقب می‌دهند. (کهدویی، ۱۹۷۵: ۱۴)

نذر الاسلام توانست طلسم شعر او ادب را بیدرانات تاگور را برهم زند و پرچم‌دار حماسه و مبارزه و عشق و نوآوری و آمیزش دهنده الفاظ و اصطلاحات و روح اسلامی زبان فارسی و عربی با زبان بنگالا بشود و جای خود را در قلوب مردم بنگالا زبان جاویدان سازد. (مبشر علی، ۱۹۹۴: ۱۴۳) وی شاعر نامور بنگالی سراینده سرودهای زیادی با آهنگ راگ بود. او در سرودن خیال، درویدی، تونگری و تاپا آهنگ‌های زیادی را باهم آمیخت. این یکی از خدمات بزرگ قاضی نذر الاسلام به سرودهای بنگالی است. او به آهنگ عربی و فارسی هم‌سرایی کرد. غزلیات وی نبوغ اصیل او را می‌رساند.

قاضی نذر الاسلام هم سروده‌ها را بر اساس سبک‌های راگ و راگینی مختلف سروده شده بود. مثلاً:

• باغیچای بلبل توی (ای بلبل تو در باغچه) (آهنگ بوپروی) (نذر الاسلام، جلد دوم، ۱۹۹۳، ۳۹۱)

• بوشیا بیزنه کینو یکامونه (در تنهایی نشسته چرا با دل سوخته) (آهنگ مانده می سرا) (نذر الاسلام، جلد اول، ۱۹۹۳، ۳۹۲)

• اماره چوک اشارای داک دیله های (من را با غمزه صدا کردی، های) (آهنگ جون پوری اشابری) (اقتباس، گوش‌آمی، ۱۹۹۰: ۲۸۶)

• به هولی که مانه ازو زه مانه (چگونه فراموشت کنم که هنوز هم) (آهنگ پیلو) (نذر الاسلام، جلد ۳، ۱۹۹۳، ۴۰۰)

قاضی نذر الاسلام نغمه‌های دیوان حافظ و رباعیات عمر خیام هم سرود. این سرودها آمیخته با راگ هستند. مطلع یکی از نغمه‌های عمر خیام چنین است:

• جه دین لویو بیدای دهرا ساری پرپه (روزی که این جهان را وداع خواهم گفت، ای نازنین) (آهنگ پیلو کهربا) (نذر الاسلام، جلد ۲، ۱۹۹۳: ۸۲)

قاضی نذر الاسلام بر وزن «مطرب خوش‌نوا بگو، تازه به تازه نو به نو» نغمهٔ «ارونتون تنون ترو، شونای گیتی گانه والا» را تنظیم این نغمه بر اساس «راگ ماند» سروده شده است. این سروده و اشعار مرحوم قاضی نذر الاسلام فوق‌العاده جذاب و دل‌انگیز است و از آن اندیشه عشق جاوید الهی به همراه عشق مجازی و انسانی در دل‌های خواننده و شنونده همچون سراینده شعر متجلی می‌شود.

یکی از آهنگسازان و نوازندگان بنگالی آقای «اتول پروشاد شن» قبل از قاضی نذر الاسلام اقدام به نوشتن غزل به زبان بنگالی کرده‌بود. ولی قاضی نذر الاسلام اولین شاعر بنگالی بود که در غزلیات بنگالی توانست ذوق و هنر واقعی غزل فارسی را تزریق کند. بدین‌وسیله آقای نذر الاسلام به عنوان «پدر غزل بنگالا» مشهور شدند. (گوش‌آمی، ۱۹۹۰: ۲۷۷)

قاضی نذر الاسلام یکی از پیشتازان آهنگ مدرن بنگالی نیز بوده است. او سرود بشمارای را نوشت و آهنگ‌های شیرین و زیبایی ساخت. او در سروده‌ها و آوازه‌های خود از آهنگ‌های باتیالی، زاری و نشری نیز استفاده کرد.

ساز «سانای» از ایران آمده است. در مراسم عروسی ساز سانای به‌طور فراوان نواخته می‌شود. ستار، سازی است که سه‌تار دارد. این ساز هم از ایرانیان است و نام آن در سروده‌های نذر الاسلام آمده است. او در یکی از سروده‌های خود می‌گوید: «دماما نواخته شد، عمامه بر سربندید» این «دماما» همان ساز ایرانی است. کسی گفت تعداد سروده‌های نذر الاسلام ۳۵۰۰۰، کسی گفت- ۴۵۰۰۰، کسی گفت- ۵۰۰۰، کسی گفت- ۱۰۰۰۰ می‌باشد. (احمد: ۱۹۹۸: ۴۴۷) دکتر شوشیل کومار شن گفت: تعداد سروده‌های نذر الاسلام بیشتر از ۳۰۰۰ می‌باشد. (گوفتا، ۱۹۹۷: ۳۰۸)

نام سازی که با تار نواخته می‌شود «سازنده» است و این نام از لغت فارسی سراینده گرفته شده است، یعنی، ایجاد کنندهٔ آهنگ و نواز که بزرگان آسمان هنر موسیقی ایرانی این ساز را رواج دادند و این یک ساز مردمی است و در بنگلادش نیز محبوبیت فوق‌العاده دارد. سازندگی نیز یک تاردار است. این ساز در بنگلادش همراه غزل‌خوانی، قوالی، تومری و خیالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. منشأ این ساز هم سرزمین فارسی است و به‌تدریج شکل بنگالی به خود گرفت. از نام‌های اسراز و دلربا نیز بر می‌آید که از ابتکارات مسلمانان است. طاوس را نیز مسلمانان ابداع کرده‌اند. شاه نای که شکل پیچیده دارد نیز از ایران وارد شده است. بنگلادش در تاریخ خود سازهای گوناگونی را شاهد بود. در

طول زمان بعضی از این سازمان از رواج افتاد و بعضی در حال از بین رفتن است ولی عده‌ای از این‌ها بر اثر تأثیر عربی و فارسی شکل و صورت جدیدی به خود گرفت. (عبد الستار، ۱۹۹۲: ۱۴)

«پوتی پات» یک نوع آوا محلی است. پوتی را می‌توان به عنوان شعر داستانی طولانی ارزیابی نمود که در قالب برنامه‌های نمایشی خوانده می‌شود و موضوع آن از افسانه‌ها و داستان‌های تاریخی گرفته شده است و با صدای بلند و دلنشین خوانده می‌شود. (رای، ۱۹۹۸: ۲۸۹) علاوه بر این «پوتی پات» های زیادی با آموزه‌های مذهبی و دینی سروده شده است که در آن وقایع زندگی انبیاء (ع) و اولیاء به صورت مواظ و اندرز، به گونه هنرمندانه بیان شده است. «پوتی» با زبان عامیانه ولی ترکیبی سروده شده و در کنار لغات بنگالی واژه‌های فارسی و عربی نیز به صورت بسیار مناسب بکار گرفته شده است. بدین علت «پوتی» به نام ادبیات دو زبانه نیز معروف است. اشعار و آواز پوتی بیشتر در دوره‌ای از آغاز ورود زبان انگلیسی به منطقه تا اواخر قرن نوزدهم میلادی رواج پیدا کرده و رشد و توسعه یافته است. «پوتی» به سبک اشعار معمولی خوانده نمی‌شود. رعایا بعد از پایان کارهای روزانه در خانه مالکان و اربابان روستا جمع می‌شدند و یک نفر از میان آن‌ها که با پوتی آشنایی داشت با صدای بلند و موزون و مهیج آواز پوتی را می‌خواند و دیگران از صدای زیبا و دلنشین وی و از داستان‌های و افسانه‌ها لذت می‌بردند. استفاده از واژه‌های فارسی در شعرهای پوتی لذت ادبی و به همراه آن رازگشایی تلمیحات شعری این لذت ادبی را چند برابر می‌کرد.

در بنگلادش اشعار و سرودهای عرفانی دیگر نیز وجود دارد که به طور مستقیم و غیر مستقیم از تأثیر آهنگ فارسی پذیرفته است. سراینده این گونه اشعار شاعر و خواننده مشهور فوق‌الذکر «لالن شاه» می‌باشد. (عبدالکریم، ۱۹۹۳: ۵۰) سروده‌های او به عنوان «لالن گیتی» معروف است. لالان شاه که به طور ذاتی ذوق شعری داشت د شعر «باؤل» یک انگیزه جدید به وجود آورده و سبک ویژه‌ای را عرضه نمود. پروفیسور اوپندرانات بهاتپارز گفت که شروع سرود باؤل در سال ۱۶۵۰ م می‌باشد. (جهانگیر، ۱۳۷۱: ۵) در سروده‌های او به درون و روح و روان انسان بیشتر توجه شده است. اشعار او با ذوق مفرط محو شدن در ذات حق آمیخته است و با باورهای مذهبی مردم بنگلادش هماهنگی دارد. این چنین سرود و آهنگی احساسات باطنی هر انسان را برمی‌انگیزاند و باعث توجه به عالم معنا و ماوراءالطبیعه در ذهن و اندیشه مردم می‌گردد.

در نغمه‌های لالان فقین جائیکه اسرار و رموز عرفانی و مکتب دگرگونی خلقت به میان آمد با مکتب صوفیان شباهت دارد. او در نغمه خود از مثنوی مولوی استفاده کرد. (اقتباس، احمد الحق، ۲۰۰۷: ۲۹)

«حسن راجا» از شعرای معنوی است که در سال ۱۸۵۴ م در شهرستان سیلهت منطقه «لاگهانسری» به دنیا آمد و در سال ۱۹۲۲ م از دنیا رفت. سرودهای عرفانی حسن راجا در سراسر بنگلادش این قدر مشهور بود که کسی که مدرسه نرفته، مطالعه نکرده یعنی مردمان عادی روستایی سرود حسن راجا را می‌خواندند. (احمد الحق، ۲۰۰۷: ۳۷) روح وی بر بلندای عرفان و ماورای مادی این جهان پرواز می‌کرد و در عمق احساسات فرو می‌رفت. در آن حالت غیر قابل وصف، به شعر می‌رسید و سپس شعری می‌سرود. موضوع اصلی سرود او چنین است: زندگی این جهان فانی است، زندگی آن جهان جاوید است.

در ارتباطات بین لالان شاه، حسن راجا و فلسفه «مایزبهانداری»^{*} تأثیر وحده الوجود و عشقیسم مولوی بکار افتاد. «ریندرانات تاگور» در سرودهای «لالان شاه» و «حسن راجا» بین خالق و مخلوق یک راز پنهانی، راز راست جستجو می‌کردند. (احمد الحق، ۲۰۰۷: ۳۷)

سروده‌های «پنجو شاه» از لغات و اصطلاحات بنگالی مملو است. البته در آرایش شعری خود از عناصر فارسی و عربی و در کنار آن از لطافت گویش محلی مردم شهرستان جیسور نیز استفاده کرده است. از این رو یک تلفیق منحصر به فردی در سروده‌های شعری وی دیده می‌شود که بر زیبایی کارش افزوده است. (احمد الحق، ۲۰۰۷: ۸۷)

تاریخ موسیقی در بنگلادش

در قرن سیزدهم میلادی امیر خسرو دهلوی شاعر و فیلسوف و موسیقی‌دان معروف زینت‌بخش محافل دربار سلطان علاءالدین خلجی (۱۲۹۶-۱۳۱۶) بود. با تلفیق موسیقی فارسی و هندی که از گذشته به ارث رسیده بود یک روش جدیدی را در موسیقی ابداع کرد. وی در آرایش راگ‌ها یعنی به جای ۶ راگ و ۳۶ راگینی، ۲۲ مقام را جایگزین کرد. این مقام‌ها با تاتاهای اصیل هماهنگ بود. (ک. علی، جلد دوم، ۱۹۷۳: ۸۰)

مسلمانان فاتح شبه قاره هند همراه خود چه از سرزمین ایران و چه از کشورهای عربی یک گنجینه غنی فرهنگی را وارد این سرزمین کرده‌اند. آنان با داشتن پشتوانه غنی فرهنگی و هنری سعی داشتند هنر و موسیقی شبه قاره را ارتقاء بخشند و در این تلاش نیز موفق بوده‌اند. بدین خاطر است که موسیقی و صدای زیر مردانه شبه قاره و از جمله بنگلادش مرهون ابتکار مسلمانان به خصوص ایرانیان است.

رقص‌ها نیز همراه نغمه‌ها وجود دارد. گرچه در نقاط مختلف بنگال این گونه نغمه‌ها کماکان رواج دارد، ولی در منطقه شهرستان میمن سینگ این گونه نغمه‌ها نفوذ بیشتری دارد.

سلطان محمود، حاکم غزنین، دومین فرد حمله کننده به منطقه شبه قاره، در درون خود ذوق هنری عرب را با فرهنگ و هنری و ذوق ایرانی در آمیخت. از این طریق او زمینه ورود فرهنگ جدید را به شبه قاره مهیا کرد که آن را می‌توان فرهنگ اسلامی نام‌گذاری نمود. (ک. علی، ۱۹۷۳: فصل دوم، ۳۵) ابوریحان بیرونی که از خواص دربار او بود توانست علم نجوم، زبان‌شناسی، ستاره‌شناسی و موسیقی را به خوبی نشر و منتشر سازد. این ابداعات علمی او موجب گردید بعداً دانشمندان سرزمین فتح شده با فاتحان نزدیک‌تر شوند و این ارتباط و نزدیکی بین دانشمندان و فاتحان در دوران حکومت سلطان علاءالدین خلجی تکمیل‌تر شد. به طوری که امیر خسروی دهلوی شاعر درباری سلطان علاءالدین خلجی سبک‌های موسیقی هندی را کشف نمود و با آهنگ فارسی آن را آمیخت. بدین صورت یک روش جدید به وجود آمد که بعداً به عنوان سبک هندی-ایرانی در موسیقی شناخته شد. (ک. علی، جلد دوم، ۱۹۷۳: ۸۱)

با استقرار امپراتوری مسلمانان در دهلی، فرهنگ اسلامی به تدریج وارد این سرزمین شد. در زمان حاکمیت رژیم سلطنتی در دهلی آهنگ و موسیقی دربار ترنم عربی و فارسی داشت. موسیقی غیرمذهبی در دربار و منازل اشراف، و موسیقی مذهبی در بارگاه صوفیان و خانقاه‌های دراویش متمرکز شده بود. قوالی که نوعی سرود عاشقانه مبتنی بر ارادت صوفیانه است در خانقاه‌های خواجه معین‌الدین چشتی (تولد ۱۱۳۶ م) و حضرت نظام‌الدین اولیاء، دو تن از بزرگان عرفان هند، خوانده می‌شد. (الرحمن، ۲۰۱۰: ۹۲)

در طول زمان، سبک‌های متنوع و فراوانی در موسیقی شبه قاره پدید آمد. بعضی از این سبک‌های موسیقی مثل غزلیات، حمد، نعت و سرودهای عرفانی، محبوبیت مردمی بسیاری یافت. به هر حال، غنی و بالنده شدن موسیقی این سرزمین به طور اعم به دلیل تلفیق با موسیقی اسلامی و به طور اخص با موسیقی ایرانی است. موسیقی هند و بنگلادش آزادانه آهنگ و ریتم عربی و فارسی را در درون خود پذیرفت. چنین تلفیقی زمینه جدید خلاقیت‌های فراوان را باعث شده و دنیای موسیقی را بارورتر کرده است.

در اوایل قرن سیزدهم میلادی زمانی که بنگال توسط ترک‌ها و افغان‌ها فتح گردید و جریان ورود اصطلاحات و لغات فارسی، عربی و ترکی به بنگال آغاز شد، همزمان نیز موسیقی بنگالی با فرهنگ عربی و فارسی تلفیق شد و تحت تأثیر آن قرار گرفت.

نقش مسلمانان در بالندگی موسیقی شبه قاره از زمان حکومت خاندان خلجی آغاز شد. سلطان علاءالدین خلجی که از سال ۱۲۹۶ تا ۱۳۱۶ م حکومت را در دست داشت فردی با ذوق و اهل دل و علاقه‌مند به آهنگ و موسیقی بود. موسیقی‌دانان و نوازندگان معروف در دربار او حضور داشتند. در میان آنان امیر خسرو پیشرو این گروه بود. او با تلفیق آهنگ و موسیقی مناطق عربی، فارسی و ترکی موسیقی جدیدی را ابداع کرد. امیر خسرو در شبه قاره با گنجاندن ۱۲ مقام، ۴۰ شوبه و ۴۸ گشا موسیقی شبه قاره را مجدداً بارور کرد. (ک. علی، جلد دوم، ۱۹۷۳: ۸۰) سلطان علاءالدین خلجی وقتی دکترا فتح کرد، در تاریخ شبه قاره هند دوره جدیدی آغاز شد. در آن زمان خیلی از استادان علم و هنر و صاحبان استعدادها درخشان برای گرفتن جوایز و خلعت به دربار سلطان می‌آمدند. یکی از این شخصیت‌ها آقای «نایک گوپال» بود. او در میان موسیقی‌دانان هم عصر خود برجسته بود.

سخن آخر

فرهنگ عربی، فارسی و ترکی که با مسلمانان وارد این سرزمین شد، بر موسیقی بنگالی تأثیر عجیبی گذاشت. آواز و آهنگ موسیقی بنگالی بانفوذ سراینندگان مسافر و مهاجر تحولات خاصی یافت. قبل از ورود مسلمانان، موسیقی بنگال‌دش از لحاظ ساختاری انگیزه‌های عمدتاً مذهبی داشت ولی با تربیت و آموزش موسیقی‌دانان مسلمان ساختار یک موسیقی کامل به خود گرفت. آنان احساسات پاک و مکنونات قلبی انسان را به عنوان موضوع سرود خود برگزیده و با زبان موسیقی به جامعه عرضه کرده‌اند. این موضوع بیشتر پیرامون ایثار، نوع دوستی و زیبایی‌شناسی بود. در هر جای بنگال‌دش آواز و آهنگ‌های سنتی هندی نواخته شود حتماً کوشش و جذب موسیقی‌های ایرانی و ملت‌های دیگر در آن کاملاً مشهور است و گوش را نوازش می‌دهد. در واقع بین دو موسیقی ایران و بنگال‌دش یک همخوانی قوی و غنی وجود دارد که در طول قرن‌ها همدیگر را با وجود ویژگی‌های متفاوت تکمیل کرده‌اند. اخلاق و رفتارهای متفاوت و متقابل را گاهی متلاطم و گاهی منسجم کرده و یک نوع مهر و علاقه‌مندی خاص را به وجود آورده است که برای همدلی و هویت ملی بسیار مهم است.

همچنان که مسلمانان در زبان و هنر معماری یک نوع وزن و سبک هنری خاص به وجود آوردند در شعر و موسیقی هم همان نوآوری را داشتند. میراث فرهنگی بنگال‌دش بسیار غنی است. با بررسی تأثیر آهنگ فارسی بر موسیقی بنگالی می‌توان گفت که موسیقی این سرزمین واقعاً بسیار زیبا و منبع آرزوها و امیدها است. جذابیت، انعطاف، و ظریف نگری از ویژگی‌های این موسیقی است. آهنگ و موسیقی فارسی و ایرانی موسیقی بنگال‌دش را به طور گسترده تحت تأثیر قرار داد.

منابع

- احمد، سرکار شهاب‌الدین (۱۹۹۸): **اخلاق ربیندرا و نذرول از نظر تاریخ**؛ داکا: کو اپاراتیب بوک سوسایتی.
 انعام الحق، دکتر محمد (۲۰۰۹): **یوسف زلیخا**؛ داکا: چاپ ۴، برادران مولا.
 جهانگیر، برهان‌الدین خان (۱۳۷۱): **سرود باؤل و دودوشاه**؛ داکا: چاپ ۱، آکادمی بنگالا.
 حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد (۱۳۶۲): **دیوان حافظ**؛ تهران: چاپ ۱، نوین.

رای، کریشناگوپار (۱۹۹۸)؛ شاعر نذول و شعر وی؛ کلکته: چاپ ۱، انجمن ادبیات بنگال.
الرحمن، چودوری شمس (۲۰۱۰)؛ تصوف؛ داکا: چاپ ۲، دپا.
الستار، عبد (۱۹۹۲)؛ در شعر نذول لغات‌های عربی و فارسی؛ داکا: آنستیتوت نذول.
شاه‌حسینی، محمدعلی (۲۰۰۶)؛ «نفوذ زبان فارسی در اشعار قاضی نذر الاسلام»: فارسی و اردو، دانشگاه
داکا؛ داکا: ش ۳، ژانویه-دسامبر.

شهید الله، دکتر محمد (۲۰۱۱)؛ تاریخ زبان بنگالی؛ داکا: چاپ ۶، برادران مولا.
عبدالله، دکتر محمد (۱۹۸۳)؛ ادبیات فارسی در بنگلادش (قرن نوزدهم)؛ داکا: اسلامیک فاوندیشن
بنگلادش.

علی، مبشر (۱۹۹۴)؛ نذول و روزنامه‌ها؛ داکا: آنستیتوت نذول.
ک. علی، پروفیسور (۱۹۷۳)؛ تاریخ بنگالی، پاکستان و هند (دوره قدیم، میان و جدید)؛ داکا: چاپ ۷، جلد
۱، ۲، ۳، علی.

الکریم، عبد (۱۹۹۳)؛ تاریخ اجتماعات مسلمانان بنگال؛ داکا: چاپ ۱، آکادمی بنگلا.
گزیده، احوال و آثار قاضی نذر الاسلام (۱۹۹۵) (شاعر ملی بنگلادش: به کوشش علی اورسجی، داکا،
رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران).

گوشامی، کارونامای (۱۹۹۰)؛ جایگاه قاضی نذر الاسلام اسلامی بر سلسله موسیقی بنگالی؛ چاپ ۱، داکا:
آکادمی بنگلا. ارت علوم تحقیقات و فناوری

گوفتا، دکتر سوشیل کومار (۱۹۹۷)؛ اخلاق نذول؛ کلکته: چاپ ۳، دیزپابلیشینگ.
مدبر، محمد؛ نذر الاسلام (۱۹۹۳)؛ داکا: چاپ ۳، آکادمی کودکان بنگلادش، اوت.

نذر الاسلام، قاضی (۱۹۹۳)؛ کلیات نذر الاسلام؛ داکا: چاپ ۳، جلد ۱، آکادمی بنگلا، جلد اول.
نذر الاسلام، قاضی (۱۹۹۳)؛ کلیات نذر الاسلام؛ داکا: چاپ ۳، جلد ۲، آکادمی بنگلا، جلد دوم.
نذر الاسلام، قاضی (۱۹۹۳)؛ کلیات نذر الاسلام؛ داکا: چاپ ۳، جلد ۳، آکادمی بنگلا، جلد سوم.

Nazrul Islam, The Rebel Poet (2011), (A Pictorial Rafiqul; Kazi Islam, Biography); Dhaka: Nazrul Institute.